یادداشت

وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات کدام کار مهم را در کشور بر عهده دارند؟

کیکاوس پورایوبی

سال ۱۴۰۲ شرکت فخیمه مدیران خودرو که ماشین‌های چینی را با هزینه‌ای گزاف وارد کشور می‌کرد و هنوز هم می‌کند و به علت نبودن سیستم رقابت داخلی و بین‌المللی و شرایط حاد کشور به خاطر تحریم‌های فلج‌کننده، خودروها را به هر نحو، کیفیت و قیمتی به خورد مردم می‌دهد، از طرف سازمان یا نهادی به نام شورای رقابت محکوم به گران‌فروشی و افزایش بیش از اندازه فروش خودروهای تولیدی خود شد، وزارت صمت موضع‌گیری شفافی نداشت، گاهی به نعل می‌زد و گاهی به میخ. بیشتر نظاره‌گر بود تا تصمیم‌گیرنده، البته اگر تصمیم قطعی هم صادر می‌کرد، بعید است به نفع شهروندان صادر شده باشد. در این بین بعید می‌دانم کسی از شهروندان انگشت اتهام به طرف این گران‌فروشی دراز کرده و خواسته باشد خودش را در پیچ‌وخم بوروکراسی اداری و قضائی کشور درگیر کرده باشد. مشخص نیست ماجرا از کجا آب خورد و علت اصلی در کدام مسئله پنهانی بود. این تشخیص گران‌فروشی و هزینه اضافی گرفتن از شهروندان بابت خودروها، از طرف سازمان یا شورای رقابت صادر شد و برای بررسی و اعمال قانونی به قضات محترم سازمان تعزیرات حکومتی یعنی زیر نظر وزارت دادگستری سپرده شد. دادگاه مهم ملی در داخل سازمان تعزیرات برگزار و در رأی بدوی شرکت مدیران خودرو محکوم به جریمه نقدی بالا به دولت و حسب پرداختی خریداران از مبالغ یک میلیارد، ۸۰۰ میلیون، ۵۰۰ میلیون و... به شهروندان شد. در دادگاه تجدیدنظر، کمپانی مدیران خودرو خودش را بالاتر از اندازه‌ای دانست که حتی بخواهد در دادگاه تجدید نظر شرکت کند. القصه در رأی تجدید نظر دوباره سازمان تعزیرات حکم به محکومیت کمپانی حتی با جریمه تأخیر و رأی قطعی صادر کرد، کمپانی رأی دادگاه تجدید نظر قضات سازمان تعزیرات را به دیوان عدالت اداری واگذار کرد، دیوان عدالت اساس رأی سازمان تعزیرات را باطل کرد و ورود سازمان تعزیرات به این پرونده را غیرقانونی و منتفی دانست. شهروندان متضرر که اینجانب نیز یکی از آنان هستم، مانند دیگران پیگیر مسئله نشدیم و موضوع را بلااثر دانستیم. حدود دو هفته پیش از طرف سازمان تعزیرات پیامکی ارسال شد که پرونده‌ای جدید در میز خدمت سامانه ثنای شما قابل مشاهده است؛ البته متن اصلی حکم بدون پیوست بود، بنابراین متوجه نشدم رأی سازمان تعزیرات به چه شکلی صادر شده است و بالاخره با مشقت زیاد به اصل رأی دست پیدا کردم؛ سازمان تعزیرات رأی قطعی داده و حکم دیوان عدالت را با استناد به چند ماده قانونی و قضائی ابطال کرده و رأی را نهایی اعلام کرده است. حضوری برای اجرای حکم به شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان تهران مراجعه کردم. قاضی محترمی که پشت میز نشسته بود، به محض پرسش پاسخ را به سختی تبیین کرد و در توضیح پیچیدگی و تکرار حکم کلمه‌ای که عنوان کرد، مقداری قابل ملاحظه است. خطاب به حقیر گفت: شما نمی‌فهمید، شما چرا اینجا آمده‌اید، مراجعه کنید به دیوان عدالت در فلان جا و با فلان آدرس و به نام فلان فرد که رأی سازمان تعزیرات را باطل کرده است. در پاسخ گفتم این رأی اینجا صادر شده، اصلا من از کجا باید بدانم که باید بروم دیوان عدالت اداری. جالب اینجا بود که قاضی میانسال هنگام سخن‌گفتن به جای جمله شما توجیه نیستید، می‌گوید شما نمی‌فهمید. خارج از توهین بسیار ناراحت بود که چرا پاسخ می‌دهد. در پایین ساختمان زمان خروج متوجه شدم خانم محترمی مرا صدا می‌زند و همین مسئله را مطرح می‌کند و گفت از کرمانشاه برای اجرای حکم آمده و شماره تلفن مرا خواست تا همسرش با من تماس بگیرد و بگویم که اصلا موضوع سرکاری است، چون همسرش قبول نمی‌کند و به او می‌گوید برود دنبال اجرای حکم. در این موضوع و موضوعات مشابه فقط چند مسئله اساسی ذهن هر شهروندی را در این بین آشفته می‌کند و علاوه بر مشکلات مادی، مشکلات روحی و روانی زیادی را برای او به وجود می‌آورد؛ اولا وجود این همه نهاد و سازمان‌های موازی برای چه کاری هستند؟ وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات کدام مشکل شهروندان را حل می‌کنند؟ اگر دیوان عدالت مهم است و می‌تواند تمام مشکلات را رتق و فتق کند، چرا سازمان‌های موازی دیگر در کار ایشان دخالت می‌کنند؟ این بوروکراسی حاکم و حتی بی‌معنی برای چیست؟ سازمان‌هایی با آن همه خدم و حشم که حتی جواب مردم را به‌درستی نمی‌دهند یا در مواردی بسیار به ارباب‌رجوع توهین هم می‌کنند در حالی که از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند، فلسفه وجودی آنان چیست؟ بهتر و با فراغ بال بگویم، شهروندان بی‌صدایی که هیچ پشتیبانی ندارند و تنها و بی‌کس هستند، آیا در مقابل کمپانی‌ها، مأمن و پناهگاهی دارند؟ اینجا می‌شود از عدالت صحبت کرد؟ من نمی‌گویم یک کمپانی یا تاجر یا سرمایه‌دار که در مملکت فعالیت می‌کند، دادگاه حقوق او را نادیده بگیرد و حق رأی را یک‌جانبه صادر کند اما چرا شفافیت و اصل انصاف نیست؟ چه دلیلی پیش آمده که شورای رقابت ابتدا یک حکم می‌دهد، قضات سازمان تعزیرات آن حکم را تأیید می‌کنند و پس از سه سال اصرار بر اجرای حکم دارند، اما رأی در دیوان عدالت ابطال می‌شود؟ مردم حق ندارند مشکوک شوند؟ در داخل تهران چرخیدن حال و روز خاصی می‌خواهد تا چه برسد از شهری برای کاری مهمل به تهران آمدن.

خبر

جریمه ۱۰ میلیونی فروش سیگار به زیر ۱۸ساله‌ها

ایلنا: رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت از الزام دادستانی کل کشور به نصب تابلو «فروش دخانیات به زیر ۱۸ سال ممنوع» برای تمامی مراکز فروش خبر داد. بهزاد ولی‌زاده ادامه داد: «دادستانی کل کشور نیز مکاتباتی با حوزه صنعت و اصناف انجام داده و تمام مراکز فروش را ملزم کرده است حتما تابلوی ممنوعیت فروش محصولات دخانی به افراد زیر ۱۸ سال را نصب کنند. از طرف دیگر، در مصوبات اخیر، کاربرگ‌های جدیدی تصویب شده که علاوه بر درج ممنوعیت فروش به زیر ۱۸ سال، بر ضرورت تعیین عاملیت فروش از سوی مراکز مجاز نیز تأکید دارد و مقرر شده است به مراکز غیرمجاز به هیچ عنوان اجازه فروش داده نشود». او ادامه داد: «همچنین رعایت فاصله حداقل صدمتری از مراکز آموزشی به‌عنوان یکی از الزامات قانونی مورد تأکید قرار گرفته است. در حال حاضر، اگر فردی قصد دریافت مجوز فروش محصولات دخانی را داشته باشد، فاصله محل مورد نظر از مراکز آموزشی طبق ضوابط مندرج در همان کاربرگ‌ها بررسی و در صورت تأیید، صلاحیت لازم صادر می‌شود. این اتفاقات در راستای کاهش تخلفات در حوزه عرضه محصولات دخانی در حال انجام است تا متخلفان به مجازات قانونی خود برسند». براساس اعلام او، در صورتی که تخلف یک مرکز تکرار شود، پروانه فعالیت آن برای فروش محصولات دخانی باطل خواهد شد. این موضوع از نگرانی‌های جدی وزارت بهداشت به‌عنوان متولی سلامت عمومی کشور است: «ما پیگیر اجرای تکالیف دستگاه‌های مختلف هستیم تا مصوبات مربوط به کنترل دخانیات در ستاد کشوری به تصویب برسند و به مرحله اجرا درآیند».

گزارش میدانی «شرق» از ۵ مرکز خرید در نقاط مختلف تهران که ماه‌هاست شدیدترین کسادی بازار را تجربه می‌کنند

تعطیلی، تغییر کاربری و طلبکارانی که صف می‌کشند

برخی از فروشنده‌ها می‌گویند برای تأمین اجاره مغازه‌شان که دو تا سه برابر شده مانده‌اند، عده‌ای از بازگشت تذکر حجاب و تأثیر آن بر رفت‌وآمد خریداران گلایه می‌کنند مراکز خرید پررونق حالا تبدیل به خلوتی برای مغازه‌داران شده است

محمدحسین موسوی: «آقای میم» می‌گوید: «اوضاع بازار افتضاح است. هم فروش کم شده، هم حتی حضور افراد برای پاساژگردی». «خانم میم» میان حرف همسرش می‌گوید: «البته اینجا چون روبه‌روی پارک نیاوران است، آخر هفته‌ها یا در تعطیلات افرادی که برای پارک آمده‌اند برای گردش، استفاده از سرویس بهداشتی یا رفتن به فودکورت داخل پاساژ می‌شوند، البته خریدی نمی‌کنند». وقتی از در طبقه g2 وارد اطلس‌مال می‌شوید، زمینی سفید و برق‌انداخته می‌بینید و کافه‌ای که تنها جایی است که در آن شلوغی جمعیت وجود دارد. اولین مغازه فروشگاه یک برند وسایل خانه است. تک‌تک مغازه‌های مرکز خرید خالی از مشتری است و بیشتر فروشنده‌ها مشغول بالاوپایین‌کردن صفحه موبایل یا غبارروبی احتمالا چندباره مغازه‌شان هستند. در یکی از این مغازه‌ها در طبقه اول یک زن و شوهر میان‌سال نشسته‌اند، مغازه‌ای برای فروش لباس‌های مجلسی، همان آقا و خانم «میم». یکی از آنها اضافه می‌کند: «جنگ و فعال‌شدن مکانیسم ماشه اوضاع را بحرانی‌تر کرد. بعد از جنگ رکود بسیار بیشتر شده. بعد از خبر فعال‌شدن مکانیسم ماشه نیز وضعیت از قبل هم بدتر شد».

خبرنگار «شرق» در گزارش میدانی به سراغ پنج مرکز خرید تهران از نیاوران تا ستاری، از پونک تا اندرزگو رفت؛ مراکز خرید محبوب در شرق و غرب تهران که حالا خالی از مشتری است. اوضاع اقتصادی و اجتماعی در این مراکز خرید بحرانی است. بررسی میدانی «شرق» نشان می‌دهد که قرار بود این مراکز نمادهای توسعه شهری در تهران باشند، اما حالا تبدیل به نمادهای روشن از بحران شده‌اند؛ خیلی‌ها مغازه‌های‌شان را تعطیل کرده‌اند، برخی به فکر تعطیلی‌اند و از پس اجاره‌ها برنمی‌آیند. عده‌ای هم نمی‌دانند با کسب‌وکاری که راه انداخته‌اند، چه کنند. در همه جای این مراکز خرید، آگهی اجاره مغازه‌ها دیده می‌شود، از مشتری‌ها هم خبری نیست؛ تصاویر غم‌انگیز از پایان کسب‌وکار و محل معیشت مردم.

اطلس‌مال: اجاره‌ها ۳ برابر شده، خیلی از مغازه‌ها بستند

حرف‌ها با آقای «میم» اطلس‌مال ادامه دارد. درباره اجاره‌ها سؤال می‌شود. او سری با تأسف تکان می‌دهد: «در مقایسه با سال گذشته اجاره‌ها سه برابر شده، بسیاری از مغازه‌های اطراف بسته شده‌اند، چون دیگر نتوانستند هزینه اجاره را پرداخت کنند». «خانم میم» از فروشنده یک مغازه لباس ورزشی در طبقه دوم می‌گوید که چند ماه پیش پلیس اماکن با فعالیتش برخورد کرد و او هم ورشکست شد: «چند ماه پیش بازرس وارد یکی از مغازه‌ها شد و تمام لباس‌هایش را گرفت و برد؛ یعنی نزدیک سه میلیارد تومان کالای مغازه‌اش. دو میلیارد تومان هم جریمه‌اش کرد. بنده خدا وسط پاساژ با صدایی بلند گریه می‌کرد».

راهروی پشت مغازه پر است از مغازه‌هایی که خالی شده‌اند و با بنرهایی بزرگ روی آنها نوشته شده: «اجاره داده می‌شود». در همین راهرو مغازه روسری‌فروشی دیده می‌شود، با فروشنده‌ای جوان که کارش را از بازار تهران شروع کرده: «تا قبل جنگ بازار خوب بود، از بعد جنگ کاسبی خراب شد. این وسط اجاره ما نیز افزایش یافت، قبلا ۶۰ میلیون تومان اجاره می‌دادم، الان بیشتر از ۱۲۰ میلیون تومان». اجاره او در مقایسه با دیگران حتی پذیرفتنی‌تر است، چون مالک آشنای اوست: «همین مغازه‌های پشتی بروید، اجاره‌ها ۱۵۰ تومان به بالا شده. با همین شرایط اگر پیش برود، تا چند ماه آینده نهایتا ۲۰ درصد مغازه‌ها که متعلق به برندهای بزرگ یا افراد رانت‌دار است، باز می‌مانند». در این شرایط جز اجاره‌ها، جریمه‌ها و سنگ‌اندازی‌های اماکن شرایط را بدتر نیز کرده است: «ما شال و روسری می‌فروشیم و خیلی در چشم نیستیم. سال قبل دو مغازه در طبقه بالا بودند که با جریمه‌هایی که اماکن برای آنها نوشت، ورشکست شدند». او می‌گوید در «اطلس‌مال» همیشه می‌توان دعوا و درگیری بین کاسبان و طلبکاران را دید، زیرا با این وضعیت بازار بسیاری از مغازه‌ها توان پاس‌کردن چک‌های خود را ندارند: «وضعیت اسف‌بار فروش باعث شده ما هر روز شاهد باشیم که در یک مغازه درگیری هست. بعضی وقت‌ها طلبکاران می‌ایستند جلوی در مغازه تا هر کالایی را که فروخته شد، با کارت‌خوان خودشان حساب کنند و به‌این‌صورت بخشی از طلب‌شان را بگیرند».

«اطلس‌مال نیاوران» نامی آشنا برای کسانی است که در سال‌های اخیر درباره مسائل شهری حساس بوده‌اند. این مرکز خرید که در بهار توسعه مراکز خرید تهران در ابتدای دهه ۹۰، با سرمایه‌گذاری بانک انصار بنیان گذاشته شد، عامل اصلی مسائل فرهنگی، اجتماعی و ترافیکی گسترده‌ای در تهران است. محمد سالاری، رئیس کمیسیون شهرسازی شورای شهر، در اردیبهشت ۱۳۹۳ افشا کرد اطلس‌مال دو طبقه بدون مجوز ساخته است که ارزش پروژه را از هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان فراتر برده. سازمان میراث فرهنگی تهران نیز بارها درباره ارتفاع بیش از ۴۰متری اطلس‌مال در مقایسه با کاخ صاحب‌قرانیه که حریم این کاخ را از بین برده، اعتراضاتی کرده است. اما جالب‌ترین ضرر این پروژه، توقف توسعه خط ۳ متروی تهران به علت اشغال مسیر تونل به واسطه پارکینگ این مرکز خرید است.

ساناسنتر: گاهی در یک ماه یک محصول هم نمی‌فروشیم

«ساناسنتر» یکی دیگر از بی‌شمار مراکز خرید شمال شرق تهران است. این مرکز خرید که در خیابان اندرزگو قرار دارد، با نمای مرمری خود، از زیباترین مراکز خرید تهران است. وقتی وارد ساناسنتر می‌شوید، با ترکیبی زیبا از نور و سنگ مواجه می‌شوید، با دکورهای روشن برخورد می‌کنید، با حراستی مرتب و به عبارتی با ترکیبی که می‌توان به‌راحتی به آن لقب «لاکچری» داد. اما در طبقات مختلف این ساختمان مرمری، جز چند نفر که بیش از خرید در حال گشت‌وگذار در پاساژ هستند، افراد دیگری نمی‌بینید. مغازه‌داران نیز به علت رکود مشتری، بیش از قرارگرفتن در مغازه خود، در حال گشت‌زنی و گفت‌وگو با همکاران خود هستند. «ریحانه» در ساناسنتر لوازم آرایشی و بهداشتی می‌فروشد: «ما سال گذشته، یک دوره در آبان‌ماه رکود داشتیم، بعد از آن تا مردادماه امسال با وجود نوساناتی، فروش خوبی داشتیم. از شهریور، وضعیت شکل دیگری شد. از زمانی که اسنپ‌بک در روزهای ابتدایی شهریور مطرح شد، ما دوباره وارد رکود سنگینی شدیم. به طوری که خیلی واضح می‌شد متوجه کم‌شدن رفت‌وآمدها در مرکز خرید شد. در این دوره حتی حضور افرادی که برای گردش و استفاده از فودکورت به اینجا می‌آمدند، نیز کم شد». اما این رکود سنگین، در مهرماه شدیدتر شد: «در مهرماه، برخلاف انتظار، ما در پاساژ با کمترین میزان رفت‌وآمد مواجه شدیم. جمعیتی که به پاساژ می‌آمدند، بعد از اسنپ‌بک، کمتر هم شدند، به طوری که حالا بیشتر مواقع میزان فروش و حضور نزدیک به صفر است». دو طبقه بالاتر، یک کیف‌وکفش‌فروشی با دکوری شیک باز است، فروشنده مردی جوان است: «از مهرماه فروش ما کاهش شدیدی داشت. حتی دیگر برگزاری ایونت‌ها و گردهمایی‌های فرهنگی در داخل مرکز خرید هم کمکی به فروش نمی‌کند». در همان طبقه یک شال و روسری‌فروشی قرار دارد؛ مغازه‌ای کوچک که چند زن فروشنده در حال مرتب‌کردن آن هستند. یکی از آنها می‌گوید که مثل دو مغازه قبلی، آنها هم در مهرماه با کاهش فروش زیادی مواجه بودند، به‌همین‌دلیل تصمیم گرفته‌اند تا کالای مغازه‌شان را تغییر دهند: «مدت‌هاست فروش روسری کم شده، به‌همین‌دلیل ما نوع دیگری از پوشش سر را می‌فروشیم». در نزدیکی این مغازه، دکه کوچکی قرار دارد که شکلات می‌فروشد، مرد جوان فروشنده آن می‌گوید دلار، بازگشایی مدارس و اسنپ‌بک فروش آنها را کم کرده: «روزهایی در مهرماه بود که ما حتی یک محصول نفروختیم».

گلدیس: بازگشت تذکر حجاب

«پاساژ گلدیس صادقیه» از قدیمی‌ترین مراکز خرید تهران است؛ مرکز خریدی که در سال ۱۳۷۹ در یکی از شلوغ‌ترین تقاطع‌های شهر تأسیس شد. «گلدیس» همیشه یکی از پاتوق‌های جوانان محله صادقیه و اطراف آن بوده، مکانی قدیمی که نسل به نسل آدم‌ها در آنجا باهم دیدار می‌کردند و خریدهایشان را انجام می‌دادند. اما حالا در گلدیس، خبری از حضور انبوه مشتریان و گردشگران نیست. از پله‌های مرکز خرید که بالا بروید و از در قدیمی وارد گلدیس شوید، ناگهان شلوغی و سروصدای خیابان کم می‌شود. کمی راه بروید و وارد راهروهای پر از مغازه شوید، دیگر هیچ خبری از شلوغی میدان صادقیه نیست. بیشتر مغازه‌ها یا تخلیه شده‌اند یا با تخفیف‌های ۵۰درصدی و بیشتر، در پی فروش محصولات باقی‌مانده خود قبل از تعطیل‌شدن هستند. «بهنام» مغازه عطرفروشی دارد، وارد که می‌شوی فروشنده مغازه وسایل آرایشی فروشی روبه‌رویی نیز وارد می‌شود تا با «بهنام» چای بنوشد: «اوضاع افتضاح است. از جنگ به بعد همه چیز به هم ریخته». فروشنده مغازه کناری می‌گوید: «اجاره‌ها را تقریبا دو برابر کردند. ما هرچه در می‌آوریم باید به اجاره بدهیم». او به مغازه کناری اشاره می‌کند: «این بنده خدا پنج ماه نتوانست اجاره‌اش را بدهد. سه ماه نیز صاحب ملک با تغییر قفل اجازه نداد او کار کند. الان هشت ماه می‌شود بیکار شده و با کلی بدهی مانده». بیرون از مغازه «بهنام» در راهروی خلوت به سمت راست، یک مغازه شال و روسری فروشی است. دو دختر جوان پشت میزی درحال مرتب‌کردن روسری‌ها هستند. یکی از آنها می‌گوید: اوضاع بازار خیلی بد است. اخیرا هم دوباره افرادی از اماکن شروع کرده‌اند به دادن اخطار حجاب و همین موضوع مردم را می‌ترساند». دختر دیگر که تازه روسری‌ها را مرتب کرده سری تکان می‌دهد: «اخطار حجاب باعث شده مشتریان بیشتر از قبل بترسند و وارد پاساژ نشوند. در مهرماه بیشتر اوقات پاساژ به همین اندازه خالی بود».

کوروش؛ شهربازی بی‌کودک

«پاساژ کوروش» معروف است به شلوغ‌بودن، از مهم‌ترین مراکز خرید تهران و بخشی از خاطره جمعی ساکنین شهر است. روز جمعه، از ساعت شروع عصر کم‌کم این مرکز خرید شلوغ می‌شود. برخلاف مراکز خرید قبلی، راهروها شلوغ است اما خریدار نیستند. مغازه‌داران جلوی در چشم دوخته‌اند به مردم، انگار می‌دانند قرار نیست کسی وارد مغازه شود. «روزبه»، فروشنده کیف است و مغازه دارد. او پسری جوان است که از وقتی یادش می‌آید در این پاساژ در مغازه پدرش کار کرده است: «از بچگی برای کمک به پدرم می‌آمدم اینجا، دیپلم را که گرفتم تمام‌وقت در اینجا فروشنده شدم». او می‌گوید کیف و کفش، سومین محصولی است که پدرش برای فروش انتخاب کرده: «اول اسباب‌بازی می‌فروختیم، با کاهش میل مردم به خرید اسباب‌بازی، پدرم وسایل آرایشی را جایگزین کرد، الان نیز یک سال است کیف و کفش محصول اصلی‌مان شده است». «روزبه» به مردم پشت شیشه اشاره می‌کند: «می‌آیند، نگاه می‌کنند و می‌روند. کوروش دیگر بیشتر از مرکز خرید، محلی برای وقت‌گذرانی شده». اما از بعد از جنگ، حتی این موضوع نیز کم‌رنگ‌تر شده است: «بعد از جنگ پاساژ خیلی خلوت شد. مرداد کمی وضعیت بهتری داشت اما از شهریور جز پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها، سایر روزهای هفته پاساژ آن‌قدر خلوت است که به‌راحتی می‌توان صحبت سایر مغازه‌داران را از داخل مغازه‌شان شنید». این وضعیت پدر روزبه را به فکر تعطیلی کار در این پاساژ انداخته: «پدرم دیگر نمی‌خواهد برای سال بعد قرارداد اجاره را تمدید کند، من هم با این تصمیمش موافقم، دخل و خرج‌مان به هم نمی‌خورد». در طبقه بالاتر یک مغازه روسری‌فروشی دیده می‌شود: «اوضاع سه، چهارماهی می‌شود که خیلی خراب است. تابستان شرایطمان بد بود و مهرماه تقریبا افتضاح شد». اما افتضاح بازار، دل مالکان را به رحم نیاورده: «اجاره اینجا دوبرابر شده، اصلا دیگر نمی‌دانم چطور باید کار کرد که سودی داشته باشد». او این را هم اضافه می‌کند که وضعیت بازار برای کسانی که شال و روسری می‌فروشند، کسادتر از سایر مغازه‌هاست: «برای ما فروش کمتر از بقیه شده. مردم خیلی کمتر از قبل روسری و شال می‌خرند». در طبقه بالاتر، لوگوی شهربازی ژوپیتر روشن و رنگی است. کودکی درحال گریه است. مادرش و برادرش کلافه ایستاده‌اند. از نظر آنها ورودی ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومانی برای این زمین بازی بسیار زیاد است. بیشتر دستگاه‌های بازی که گران‌قیمت هم هستند خالی است. هاکی روی میز (ایرهاکی) چند مشتری دارد، دختری نیز در حال بازی با دستگاه بسکتبال است. در بخش شبیه‌سازی خبری از هیچ کودکی نیست. در طبقه اول، نگهبان با لباسی سفید ایستاده و به اطراف نگاه می‌کند، او درباره وضعیت کوروش‌مال توضیح می‌دهد: «آخر هفته شلوغ است، ولی می‌بینید که، کسی کاسبی نمی‌کند. یکی از دوستانم دکه فروش شکلات و اسمارتیز در طبقه سینما دارد، در طول هفته آن‌قدر خلوت است که فقط آخر هفته‌ها باز می‌کند. گاهی هم اگر گروهی از مدرسه به سینما بیایند خودش را می‌رساند».

همیلاسنتر؛ هر اتفاق تأثیر مستقیم بر بازار دارد

«همیلاسنتر» یکی از جدیدالتأسیس‌ترین مراکز خرید تهران است که در منطقه پونک واقع شده. در همیلا وضعیت از باقی جاها بهتر نیست. در این مرکز، خلوتی بیشتر از سایر مراکز به چشم می‌آید. در فودکورت به ندرت کسی را می‌توان دید که روی صندلی نشسته. بیشتر مغازه‌ها تبدیل به مکانی برای تنهایی فروشندگان شده است. یکی از آنها پسر جوانی است که با فروش حق‌الارث توانسته مغازه‌ای اجاره کند و حالا پشیمان است: «من در اردیبهشت‌ماه اینجا را از دوستم که قبلا در همین مغازه کار می‌کرد تحویل گرفتم. کار را شروع نکرده بودیم که جنگ شد، بعد از آن نیز تا همین حالا اوضاع کساد است». او می‌گوید که هر اتفاق یا شایعه‌ای بر فروش تأثیر مستقیم دارد: «در مردادماه اوضاع به سمت بهترشدن می‌رفت که حرف از اسنپ‌بک زده و بازار کساد شد. بعد تا کمی جان گرفت دلار گران شد و خبر فعال‌شدن اسنپ‌بک آمد. مهر و شهریور خیلی اوضاع بد بود». هرچند دوستانش می‌گویند هرکاری به اصطلاح یک دوره خاک‌خوری دارد، اما او بعید می‌داند هیچ‌وقت وضعیت بهتر شود: «فکر می‌کنم اوضاع بدتر هم می‌شود. من هر ماه به‌سختی پول اجاره را جور می‌کنم، آخر ماه‌ها برای خودم پول زیادی نمی‌ماند و به تعطیل‌کردن مغازه فکر می‌کنم».

از اواسط دهه ۸۰، با شهردارشدن محمدباقر قالیباف و هدف‌گذاری شهرداری برای اجرای پروژه‌های بزرگ توسعه شهری و نیاز به تأمین هزینه این پروژه‌ها، روند تأسیس مراکز خرید بزرگ (مال‌ها) در تهران شدت و سرعت گرفت. شهرداری توانست به‌واسطه صدور مجوزهای متعدد برای ساخت و تغییر کاربری زمین‌های شهر و جذب سرمایه بانک‌ها برای ساخت‌وساز، به ثروت هنگفتی برسد و همین‌طور به مدد این مراکز خرید مرتفع، پرنور و پرسروصدا، توسعه‌نیافتگی‌های بنیادین شهر تهران را بپوشاند. طبق آمار رسمی، در سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ سالی ۳۰ میلیون مترمربع پروانه ساخت‌وساز در تهران صادر شده؛ عددی که معادل فضای مورد نیاز ساخت مسکن برای جمعیتی نزدیک به ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر است. بیشتر این ۳۰ میلیون مترمربع، مرتبط با مجوزهایی است که برای تأسیس مال‌ها و مراکز خرید بزرگ صادر شده. حالا در سال ۱۴۰۴، در زمانی که بیش از ۱۰۰ مرکز خرید بزرگ در تهران ساخته شده و ۴۰ تا ۵۰ مرکز خرید دیگر نیز در دست ساخت است، گشت و گذار و گفت‌وگو با فروشندگان این مراکز خرید نشان می‌دهد که چگونه بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود، این مراکز خرید را به اغما برده است.

وضعیت تاسف بار فروش باعث شده هر روز شاهد باشیم که در یک مغازه درگیری هست. بعضی وقت‌ها طلبکاران می‌ایستند جلوی در مغازه تا هر کالایی را که فروخته شد، با کارت‌خوان خودشان حساب کنند و به‌این‌صورت بخشی از طلب‌شان را بگیرند

عکس: مرضیه نورعلی، ایرنا

خبرخوان

اصلاح قانون حمل سلاح در انتظار تصویب مجلس

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: «اصلاح قانون حمل سلاح در کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس تصویب شده و در انتظار طرح در صحن علنی است».

شینا انصاری در حاشیه مراسم تجلیل از محیط‌بانان در گرمسار در جمع خبرنگاران گفت: «در چند سال اخیر مشخص شده است که محیط‌بانان غیربومی نمی‌توانند اثرگذاری به اندازه محیط‌بانان بومی داشته باشند، بنابراین از طریق سازمان اداری استخدامی پیگیر هستیم تا ضرایب برای محیط‌بانان بومی افزایش یابد».

او ادامه داد: «مجوز استخدام ۷۰۰ نفر را دریافت کرده‌ایم و پیگیر هستیم با توجه به محدودیت نیروی انسانی که شامل محیط‌بانان نیز می‌شود، با اولویت محیط‌بانان مجوز جذب نیرو دریافت کنیم». او درباره بازنشستگی محیط‌بانان هم توضیح داد: «یکی از دغدغه‌های ما این است که طی دو سال آینده بخشی از نیروی کارشناسی و محیط‌بانانی بازنشسته می‌شوند. برای جبران این تعداد و پست‌های بلاتصدی در حال چاره‌اندیشی هستیم».

او در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به پروژه احیای گور ایرانی افزود: «این پروژه یکی از اقدامات موفق سازمان محیط زیست است چراکه موجب پایداری اکولوژیک این گونه شده است». انصاری با بیان اینکه یکی از دغدغه‌های اصلی ما وضعیت محیط زیست طبیعی و معیشت محیط‌بانان است، گفت: «افزایش حمایت قضائی از محیط بانان در اصلاح قانون حمل سلاح پیگیری می‌شود. در راستای افزایش تجهیزات و امکانات محیط‌بانان و هوشمندسازی مناطق نیز اقداماتی انجام داده‌ایم».

هشدار درباره افزایش موارد مسمومیت با متانول و الکل

متخصص داروسازی بالینی و کارشناس اداره کل پایش و نظارت بر فرآورده‌های سلامت، هم‌زمان با هفته پیشگیری از مسمومیت‌ها نسبت به رشد نگران‌کننده موارد مسمومیت ناشی از مصرف مشروبات الکلی دست‌ساز و متانول هشدار داد.

ندا کاظمی‌نیا، متانول را نوعی الکل بسیار سمی دانست که علاوه بر مشروبات غیرمجاز، در ضدیخ‌ها، برخی حلال‌ها و الکل‌های صنعتی وجود دارد. کاظمی با بیان اینکه شایع‌ترین علت بروز این نوع مسمومیت‌ها مصرف مشروبات دست‌ساز آلوده به متانول است، افزود: «زمان شروع علائم اولیه مسمومیت با متانول می‌تواند بسته به مقدار مصرف و عوامل همراه متفاوت باشد».

او توضیح داد: «این علائم شامل تهوع، استفراغ، درد شکمی، سردرد، گیجی و خواب‌آلودگی است، علائم بینایی و سایر عوارض شدیدتر معمولا پس از چند ساعت تا چند روز بروز می‌کند و می‌تواند به تاری دید، اختلال میدان بینایی، دوبینی و حتی نابینایی کامل منجر شوند».

این کارشناس هشدار داد که در بسیاری از بخش‌های اورژانس امکان اندازه‌گیری سطح سرمی متانول وجود ندارد و به همین دلیل تشخیص بالینی سریع و انتقال فوری بیمار به مراکز درمانی تخصصی از اهمیت حیاتی برخوردار است. او از مردم خواست در صورت مشاهده هرگونه علائم مشکوک، بدون اتلاف وقت به مراکز درمانی مراجعه کنند: «الکل‌های موجود در مشروبات الکلی، ژل‌های ضدعفونی‌کننده قابل اشتعال و متانول صنعتی حتی در محیط خانه می‌تواند منجر به مسمومیت شود و رعایت اصول ایمنی و مراجعه سریع در مواجهه با علائم اولیه، می‌تواند جان افراد را نجات دهد. تنها راه ایمن جلوگیری از مسمومیت، خودداری از مصرف خوراکی هر نوع الکل و دور نگه‌داشتن مواد الکلی از دسترس کودکان است».